



۱۲۶

سال سی و سوم

بهار ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۰۵/۲۳

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۵/۲۴

صص: ۶۱-۳۳

شاپا چاپی: ۱۰۲۵-۵۰۸۷
الکترونیکی: ۴۹۷۱-۴۶۵۴

DOR: 20.1001.1.10255087.1403.33.126.2.3

mo.rezasalehi@ut.ac.ir

سیاست دفاعی

قدرت نرم چین در آسیای مرکزی با تأکید بر نقش رسانه‌ها: چالش‌های پیش رو

محمد رضا صالحی وثیق^۱ | شهره پیرانی^۲ | علی اکبر پور آلمه جوقی^۳ | محمد باقر مکرمی پور^۴

چکیده

بررسی قدرت نرم چین در آسیای مرکزی با تأکید بر نقش رسانه‌ها: چالش‌های پیش رو، موضوع مقاله‌ی حاضر است. برای این منظور، با کاربست تئوری قدرت نرم جوزف نای، و به روش توصیفی، چنین دریافته شد که ادبیات موجود در مورد قدرت نرم چین، عمدتاً به موفقیت یا عدم موفقیت آن مربوط می‌شود، درحالی‌که کمتر به استفاده از رسانه‌های اجتماعی برای ترویج فرهنگ و چالش‌های پیش روی آن اشاره شده است. چین در راستای منافع ملی و ارائه تصویری مطلوب از خود در میان کشورهای آسیای مرکزی، از قدرت نرم (با تأکید بر ابزارهای استراتژیک رسانه‌های اجتماعی) استفاده نموده است تا در این منطقه یک فضای امن و صلح‌آمیز ایجاد نماید و نیازهای گسترده و فزاینده انرژی خود را تأمین کند. چین برای دستیابی به این هدف، از ابزارهای مختلفی برای فعال‌سازی قدرت نرم خود استفاده برده که از جمله، می‌توان به فیلم، مجموعه‌های تلویزیونی، روزنامه‌ها، خبرگزاری‌ها و رسانه‌های مجازی مانند واتساپ و توئیتر و غیره اشاره نمود که عمدتاً به‌عنوان ابزاری برای اهداف دفاعی از جمله تأکید بر صلح، ثبات و ارائه تصویری مثبت از چین تلقی می‌شود. علی‌رغم ترویج فرهنگ چینی و علاقه‌مندی به آن، عدم محبوبیت فرهنگ چینی و پیچیدگی زبان ماندارین، چالش‌های قدرت نرم چین در این منطقه است. کلیدواژه‌ها: چین، آسیای مرکزی، قدرت نرم، رسانه‌های اجتماعی، چالش‌ها

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکترا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. استادیار گروه علوم سیاسی و مطالعات انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

۳. کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه پیام نور قوچان، استان خراسان رضوی، ایران.

۴. دانشجوی دکتری علوم سیاسی/مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد تهران، تهران، ایران.

مقدمه

همراه با نفوذ سنتی روسیه، نفوذ فزاینده چین به شدت در آسیای مرکزی^۱ احساس می‌شود، به نحوی که این مسئله عامل کلیدی در شکل دادن به ساختار جدید منطقه اوراسیا شده است. شانگهای پنج (چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان) در سال ۱۹۹۶ تأسیس شد و در سال ۲۰۰۱ با الحاق ازبکستان، به سازمان همکاری شانگهای تبدیل شد. ابتکار کمربند و جاده چین و نفوذ کلی اقتصادی چین به یکی از عوامل مهم شکل دهی به توسعه اعضای همکاری شانگهای تبدیل شده است (Kazantsev, 2021: 60). برای مدت طولانی، روسیه نقش تعیین کننده‌ای به عنوان ضامن امنیت در آسیای مرکزی ایفا کرده است. با این حال، چین به تدریج نقش امنیتی مهمی را در بین کشورهای این منطقه برعهده گرفته است (Panchenko, 2019: 18). چراکه چین به دنبال تعمیق روابط اقتصادی، فرهنگی و فناوری در سراسر جهان در جهت کسب منافع ملی است. در ماه فوریه سال ۲۰۲۱، چین مقاله‌ای ۴۴ صفحه‌ای با عنوان «کارزار توسعه بین‌المللی در دوران جدید^۲» را منتشر کرد. این سند، به دنبال گسترش روابط تجاری پکن با کشورهای ابتکار عمل کمربند و جاده، با هدف «ایجاد یک جامعه قوی تر برای آینده مشترک^۳» است. چین امیدوار است که بتواند از طریق اشکال متنوع همکاری، نقش دیپلماتیک قوی تری در بین کشورهای این منطقه ایفا کند که شامل ابتکاراتی در حوزه صنایع، فناوری و دارویی است (Zinser, 2021: 15).

رهبران سیاسی چین بیان کرده‌اند که علی‌رغم توانایی‌های اقتصادی و نظامی، این افزایش توانایی‌ها هماهنگ با قدرت نرم خواهد بود. ادعای آن‌ها این است که برخلاف قدرت‌های بزرگ گذشته و حال، به جای خشونت و امپریالیسم جنگ طلب، به‌طور منحصربه‌فردی از

۱. آسیای مرکزی مدرن شامل پنج کشور جمهوری سابق شوروی - قرقیزستان، قزاقستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان - با جمعیت بیش از ۷۲ میلیون نفر است. این پنج جمهوری آسیای مرکزی، دارای ثروت زیاد، منابع طبیعی و شهرهای باستانی هستند و در مرکز استراتژیک قرار دارند. از پنج کشور آسیای مرکزی، سه کشور (قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان) به طور مستقیم با چین هم مرز هستند و ازبکستان و ترکمنستان نزدیک‌ترین همسایگان آن محسوب می‌شوند. به همین دلیل، آسیای مرکزی بخش جدایی ناپذیر سیاست محلی چین و تلاش‌های آن برای ایجاد محیط دوستانه کشور است و همین موضوع اهمیت آسیای مرکزی را برای دیپلماسی چینی توضیح می‌دهد.

2. China's International Development Campaign in the New Era
3. building an even stronger community of shared future

قدرت نرم ۱ در سیاست جهانی استفاده می‌کنند (Xi, 2014; Linus & Astrid, 2020). تلاش‌های چین در بسیاری از بخش‌ها از جمله کسب و کار، فرهنگ، رسانه، آموزش و غیره گسترده است (DeLisle, 2020: 174). در همین راستا، دولت چین گام‌های فعالانه‌ای در جهت گسترش نفوذ و قدرت نرم خود در بسیاری از بخش‌های جهان برداشته است (الوند و عسگرخانی، ۱۳۹۷: ۱۲۰). نظریه قدرت نرم به عنصری مهم در سیاست خارجی چین تبدیل شده و این کشور تلاش نموده تا از منابع مختلف قدرت نرم برای دستیابی به جایگاه و نفوذ بین‌المللی خود استفاده کند (Tao, 2015: 14).

قدرت نرم چین به نحو فزاینده‌ای به یک گزینه مسلم در سیاست خارجی این کشور تبدیل شده که در ارتقای جذابیت فرهنگی، دیپلماسی مشارکتی و چندجانبه‌گرایی و روابط اقتصادی آن تجلی پیدا کرده است (نریمانی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۷۲). سیاست اول آمریکا و عقب‌نشینی دولت ترامپ از زمینه‌های مهم رهبری سنتی در حاکمیت جهانی و چارچوب‌های چندجانبه، فرصتی را فراهم کرد که از طریق آن چین قادر به طراحی قدرت نرم و کسب اعتبار، منزلت و مشروعیت برای خود گردد (Ishmael, 2020: 6). در شرایط کنونی در حالی که اکثر کشورها با تأثیرات بیماری همه‌گیر کرونا درگیرند و قادر به تمرکز بر روی موضوعات بین‌المللی نیستند، چین به‌طور مستمر از این وضعیت برای پیشبرد برنامه‌های خود، افزایش نفوذ خود در سطح جهان و به‌ویژه در میان کشورهای آسیای مرکزی استفاده می‌کند. ابعاد مختلف روابط چین با آسیای مرکزی، سابقه طولانی دارد و این پیشینه تاریخی، زمینه‌های پیوندهای فرهنگی بین آن‌ها را فراهم کرده است. چین توجه خود را به منطقه‌ای نسبتاً بدون رقابت معطوف کرده تا طرح مبتنی بر دیپلماسی خود را برای تسلط بر این کشورها که با ضعف اقتصادی به‌ویژه با همه‌گیری کرونا تشدید شده است، اعمال نماید (Pradhan, 2021: 17). استفاده از فیلم‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی برجسته چینی یکی از اصلی‌ترین عناصر چین در حوزه قدرت نرم است. چین سعی کرده است از فرهنگ مشترک با کشورهای آسیای مرکزی استفاده کند و از ابزار فیلم و مجموعه‌های تلویزیونی، روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها به‌عنوان نوعی دیپلماسی نرم در روابط خود با کشورهای این منطقه استفاده نماید.

۱. شرکت‌های دولتی چینی از طریق ابزارهای مالی، استفاده از قدرت نرم چین و اجرای این استراتژی کلان را به‌ویژه در سال‌های بحران ۲۰۰۸ و پس از آن تسهیل کرده‌اند. برای مطالعه بیشتر ر.ک:

Ishmael, Len (2020). Soft Power & Global Ambition: The Case of China's Growing Reach in Europe, 6 November, This article was first published in Winter 2019 on the Fletcher Forum of World Affairs, The Fletcher School of Law and Diplomacy, Tufts University at <https://heinonline.org/HOL/>

چین ایده قدرت نرم را به عنوان ابزاری مهم در سیاست خارجی در این منطقه به کار گرفته است. در این نوشتار بر آن هستیم تا به «بررسی قدرت نرم چین در آسیای مرکزی با تأکید بر نقش رسانه‌ها: چالش‌های پیش رو» پردازیم. این مطالعه بر این واقعیت متمرکز است که قدرت نرم چین از طریق ابزارهای همچون فیلم و مجموعه‌های تلویزیونی؛ روزنامه و خبرگزاری‌ها؛ رسانه‌های مجازی مانند واتساپ و توئیتر توانسته تصویری جذاب و مثبت از خود در میان کشورهای آسیای مرکزی ارائه دهد. بنابراین مسئله پژوهش این است که قدرت نرم چین چیست و نقش رسانه‌ها به عنوان یکی از ابزارهای قدرت نرم چین در آسیای مرکزی به چه نحوی بوده است و چالش‌های پیش رو در این زمینه چیست؟

پیشینه تحقیق

در آثار و منابع مختلف، کاربرست نظریه‌های مختلف چه در حوزه اقتصادی و چه در حوزه قدرت نرم در دیدگاه اندیشه‌ورزان و محققان، نقش سیاست خارجی و قدرت نرم چین را می‌توان مشاهده کرد، اما در چارچوب قدرت نرم؛ چندین مقاله یا پایان‌نامه این الگو را برای دوره‌های مختلف تاریخی چین و در کشورهای مختلف به کار برده‌اند. در این قسمت، به بررسی و نقد آثار موجود مرتبط با موضوع پژوهش پرداخته شده است:

جدول ۱. خلاصه تحقیقات انجام‌شده پیرامون موضوع

نام محقق	سال تحقیق	عنوان تحقیق	خلاصه نتایج
سازمند و بایزیدی	۱۳۹۱	قدرت نرم و خیزش مسالمت‌آمیز چین در جنوب شرق آسیا	در این پژوهش پرسش اصلی سازمند و بایزیدی این است که چین از چه ابزارهایی برای گسترش نفوذ و قدرت خود در منطقه جنوب شرق آسیا بهره می‌گیرد. پاسخی که برای این سوال داده می‌شود این است که چین با اتکا به منابع مهم قدرت (سخت و نرم) یعنی افزایش توان اقتصادی (در حوزه قدرت سخت)، اشاعه فرهنگ چینی، دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی (در حوزه قدرت نرم) به مقابله با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای اقدام نموده و موازنه این منطقه را به نفع خود رقم زده است. در این پژوهش به خیزش صلح‌آمیز چین و شاخص‌های قدرت نرم چین با اتکا به توان اقتصادی اشاره می‌شود ولی به نوع ابزارهای به کار گرفته شده برای پیشبرد قدرت نرم اشاره‌ای نشده است که در پژوهش فعلی به آن می‌پردازیم.

جدول ۱. خلاصه تحقیقات انجام شده پیرامون موضوع

نام محقق	سال تحقیق	عنوان تحقیق	خلاصه نتایج
عزیزی	۱۳۹۳	قدرت نرم چین در منطقه آسیای مرکزی: رویکردها، ابزارها و اهداف	این مقاله کوشیده هدف چین از تلاش برای توسعه ابزارهای قدرت نرم خود در منطقه آسیای مرکزی مشخص کند و پاسخی بر این سوال دهد که چین چگونه و با استفاده از چه ابزارهایی قدرت نرم خود را در منطقه اعمال می‌کند؟ در این مقاله، پس از بررسی داده‌ها و شواهد موجود، چنین استدلال می‌شود که چین، توسعه قدرت نرم و تحکیم پیوندهای فرهنگی با منطقه را به عنوان یک عامل زمینه‌ساز جهت گسترش نفوذ همه‌جانبه خود در منطقه مورد توجه داده که در نهایت، هدف افزایش قدرت این کشور در عرصه بین‌المللی را دنبال می‌کند. پژوهش فعلی با این مقاله اشتراکات مفهومی و موضوعی دارند ولی در این مقاله که سال ۱۳۹۳ نوشته شده به گسترده شدن ابعاد نفوذ قدرت نرم در چین پرداخته نشده و همینطور رسانه‌های جمعی که در سال‌های اخیر مطرح شده‌اند و دسترسی چین به منطقه آسیای مرکزی را نیز تسهیل کرده، مورد بحث نبوده است.
الوند و عسگرخانی	۱۳۹۷	قدرت نرم چین در آفریقا؛ تحلیل فراسوی مفهوم‌سازی نای	نویسندگان در این پژوهش تلاش کرده‌اند با تمرکز بر قدرت نرم در سیاست خارجی چین نسبت به آفریقا با ارائه چارچوبی فراسوی مفهوم سازی نای، اهداف چین از توسعه قدرت نرم و منابع و ابزارهای قدرت نرم چین در این منطقه را شناسایی کنند. با بررسی منابع قدرت نرم چین در حوزه فرهنگ (فرهنگ سنتی چین، کنفوسیائیسیم)؛ حوزه اقتصاد (الگوی توسعه چین و پیوندهای تجاری و اقتصادی گسترده) و سیاست (سیاست برد-برد و اصل برابری و سود متقابل) این نتیجه حاصل شده که ارزش‌های سیاسی چین در هر سه حوزه قابل ردیابی است. پژوهش صورت گرفته به صورت مقایسه‌ای قدرت و نفوذ چین را در آسیای مرکزی و آفریقا مورد مطالعه قرار داده است و به ابزارهای نوین چین در آسیای مرکزی برای رسیدن به اهداف سیاسی و اقتصادی خود تمرکز نکرده است.

جدول ۱. خلاصه تحقیقات انجام‌شده پیرامون موضوع

نام محقق	سال تحقیق	عنوان تحقیق	خلاصه نتایج
دادپرور و عزیز	۲۰۱۹	نفوذ کنفوسیوس: جایگاه قدرت نرم در چین در قبال آسیای مرکزی	در این نوشتار با تمرکز بر ابعاد روابط چین و کشورهای آسیای مرکزی به این سوال می‌پردازد که چین با گسترش قدرت نرم خود در آسیای مرکزی به چه چیزی می‌کوشد؟ این مقاله استدلال می‌کند که چین بر گسترش قدرت نرم خود و تحکیم روابط فرهنگی با کشورهای آسیای مرکزی تمرکز کرده است تا نفوذ خود را در منطقه گسترش دهد و در نهایت به عنوان یک مرکز جدید قدرت در نظام بین‌الملل مطرح شود. در این مقاله بیشتر به بحث مفهومی در مورد تعریف قدرت نرم و تحلیل وضعیت قدرت نرم در سیاست خارجی چین و سپس بازنمایی قدرت نرم چین در آسیای مرکزی با نگاه کلی پرداخته می‌شود و به طور ویژه تأثیرات عامل قدرت نرم را بر گسترش نفوذ چین در منطقه مورد بحث قرار می‌دهد و از این مسئله مطرح نمی‌شود که برای به کارگیری عوامل قدرت نرم ابزار مورد استفاده و نحوه به کارگیری آن چگونه می‌تواند باشد؟
ویلتسانیو ک	۲۰۱۹	قدرت نرم چین در آسیای مرکزی تحت رهبری شی جین پینگ	این پژوهش با در نظر گرفتن قدرت نرم نشان می‌دهد که استراتژی قدرت نرم چین تا حدی موفق بوده است، زیرا اهداف خاصی از جمله تقویت تعامل با مردم کشورهای آسیای مرکزی از طریق افزایش علاقه آنها به چینی‌ها حاصل شده است. البته بیشتر در این نوشتار به رابطه موفقیت آمیز اقتصادی با کشورهای آسیای مرکزی توجه شده است و صرفاً به کارگیری قدرت نرم یا عدم به کارگیری آن در موفقیت رسیدن به اهداف کشور چین بحث شده است در حالی که سوال علاوه بر موفقیت آمیز بودن به نحوه ارتباط و به کار بستن قدرت نرم نیز پرداخته می‌شود.

جدول ۱. خلاصه تحقیقات انجام شده پیرامون موضوع

نام محقق	سال تحقیق	عنوان تحقیق	خلاصه نتایج
جیمنز تووار و لایوچکا	۲۰۱۹	سیاست عامیانه: کارکرد قدرت نرم چین در آسیای مرکزی	هدف اصلی این مقاله ایجاد بحثی در مورد ترکیب قدرت نرم و تقلیل آن به برخی از ویژگی های فرهنگی است. در حال حاضر، استفاده از قدرت نرم یکی از ابزارهای اصلی در سیاست های فرهنگی و سیاسی چین در آسیای مرکزی است. نویسندگان بر اساس داده های تجربی جمع آوری شده در این کشورها با تمرکز خاص بر قزاقستان و قرقیزستان به تحلیل قدرت نرم چین پرداخته اند. درست است که این پژوهش، قدرت نرم چین در آسیای مرکزی را مورد توجه قرار داده است، اما آنچه که حائز اهمیت است، استفاده از رسانه ها به عنوان عنصر کلیدی در قدرت نرم چین می باشد که در پژوهش حاضر بدان توجه شده و چالش های مسیر پیش رو نیز بیان شده است.
کریمبایف و همکاران	۲۰۲۰	عوامل اصلی قدرت نرم چین در آسیای مرکزی	این نوشتار به عوامل اصلی قدرت نرم چین به ویژه نفوذ زبانی و گسترش موسسات یادگیری زبان و کتاب های درسی پرداخته شده است نتیجه پژوهش این بوده است که روند یادگیری زبان چینی در آسیای مرکزی به طور قطع در آینده خواهد یافت. با این حال، جمعیت منطقه عناصر مختلف فرهنگ چینی را به شیوه ای انتخابی تر درک خواهند کرد. نگاه به قدرت نرم با تقلیل به زبان در این پژوهش به چشم می خورد و به عوامل دیگر و ابزارهای به کارگیری اشاره نشده است.
پیروس	۲۰۲۲	تأثیر چین بر دموکراسی و حقوق بشر در آسیای مرکزی امنیت و حقوق بشر	این مقاله استدلال می کند که اگرچه چین تأثیر ملموسی بر حقوق بشر در آسیای مرکزی داشته است، عناصر دیگری نیز برای درک گرایش های استبدادی در منطقه، از جمله تأثیر سایر بازیگران خارجی مانند روسیه نیز باید در نظر گرفته شوند. به عنوان اهداف خود رهبران آسیای مرکزی، که دریافت کنندگان منفعل سیاست چین نیستند، بلکه از زمان استقلال خود به تنهایی در مسیر اقتدارگرایی قرار گرفته اند. در این پژوهش به ابعاد سیاسی حضور و نفوذ چین در آسیای مرکزی می پردازد و از نظر اقتصادی و فرهنگی و بقیه عوامل حضور چین در منطقه توجه نشده است.

1. Jiménez-Tovar & Lavička
2. Kerimbaev
3. Peyrouse

علاوه بر این موارد، مهدی زاده (۱۳۹۰)، در مقاله «به کارگیری قدرت نرم در سیاست خارجی چین در قبال آسیای مرکزی»؛ الوند و عسگرخانی (۱۳۹۴)، در مقاله «کار ویژه‌های قدرت نرم در سیاست خارجی چین»؛ نریمانی، اخوان کاظمی و صادقی (۱۳۹۷)، در مقاله «تحلیلی بر راهبردها و ابزارهای تحکیم و گسترش قدرت نرم چین»؛ ارغوانی پیرسلامی و علی پور (۱۴۰۱)، در مقاله «فرصت‌ها و چالش‌های دیپلماسی اقتصادی چین در آسیای مرکزی»؛ شامبو^۱ (۲۰۱۵) در مقاله «فشار قدرت نرم چین: جستجوی احترام» به توصیف قدرت نرم چین در آسیای مرکزی اشاره داشته‌اند. با تأمل در منابع مرتبط، می‌توان دریافت که «قدرت نرم چین در مناطق جغرافیایی مختلف با تأکید بر آسیای مرکزی» از منظرهای مختلف و برپایه الگوهای نظری اندیشه‌ورزان مختلف، در پژوهش‌هایی قابل مشاهده است، اما به‌طور مشخص کاربرست الگوی قدرت نرم جوزف نای درباره «قدرت نرم چین در آسیای مرکزی با تأکید بر نقش رسانه‌ها: چالش‌های پیش رو» مشاهده نشد. به بیان دیگر، به‌طور مستقیم هیچ‌کدام مشخصاً به ایده‌ی اصلی و تحلیل این پژوهش اشاره نداشته‌اند.

۲. چارچوب تحلیلی: قدرت نرم

قدرت به معنای قابلیت نفوذ در رفتار دیگر کشورها به‌منظور دستیابی به نتیجه موردنظر است. در تعاریف ارائه‌شده برای قدرت کشورها، کشوری قدرتمند تلقی می‌گردد که دارای جمعیت و سرزمینی بزرگ، قدرت اقتصادی و نظامی، منابع طبیعی فراوان و ثبات اجتماعی باشد (نریمانی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۶۷). با این حال، قدرت مفهومی مبهم، مشکل‌ساز و حداقل مفهومی دست‌نیافتنی است و بنابراین، ارزیابی صحیح آن از نظر مفهومی و روش‌شناختی یک چالش است (Chung, 2015: 2). از منظر جوزف نای^۲، «قدرت توانایی تأثیرگذاری بر دیگران برای به دست آوردن نتایج مورد نظر است» (Nye, 2008, A: 94; Weissmann, 2020: 364). نای به محدودیت‌های قدرت نرم اشاره می‌کند و می‌گوید که این نوع قدرت می‌تواند تأثیرات مختلفی بر جهان خارج داشته باشد و تنظیم آن برای دستیابی به نتایج خاص دشوار است (Ikenberry, 2018: 10). مفهوم قدرت نرم که به سنت لیبرالیسم نزدیک است، برخلاف قدرت سخت، بر

1. Shambaugh
2. Joseph Nye

احتمال همکاری و برخورداری از قدرت ایده‌ها در مقابل قدرت نظامی تأکید دارد (حسینی و سنائی، ۱۳۹۷: ۷۱). در واقع قدرت نرم دارای مؤلفه‌هایی همچون ارائه الگویی جذاب در عرصه اقتصاد و سیاست خارجی، جذابیت‌های ایدئولوژیک، توانمندی اقتصادی و نظامی، دیپلماسی عمومی موفق، برخورداری از افراد و شخصیت‌های محبوب بین‌المللی و مانند آن است (الوند و عسگرخانی، ۱۳۹۷: ۱۲۴).

نای سال ۱۹۹۰، مفهوم قدرت نرم را در کتاب پیش شرط‌های رهبری: تغییر ماهیت قدرت آمریکا (۱۹۹۰، الف) و در مقاله‌ای در مجله سیاست خارجی (۱۹۹۰، ب) منتشر کرد. در آن زمان، هدف اصلی از ارائه این مفهوم، این بود که نشان دهد ایالات متحده یک قدرت روبه‌زوال نیست و موقعیت خود را به‌عنوان ابرقدرت برجسته جهان حفظ خواهد کرد. در سراسر جهان، محققان این واژه را برای تجزیه و تحلیل طیف گسترده‌ای از کشورها همچون چین (Cho & Jeong, 2008; Bates & Huang, 2009)، روسیه (Lee, 2006; Popescu, 2006; Tsygankov, 2006)، ژاپن (Otmazgin, 2008)، کره جنوبی (Lee, 2009) استفاده کرده‌اند. قدرت نرم دارای پنج عنصر کلیدی: فرهنگ، ایده‌ها، مدل توسعه، نهادهای بین‌المللی و تصویر بین‌المللی است (Yu, 2008: 122).

نای بیان داشت که قدرت نرم از فرهنگ یک ملت، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی آن نشأت می‌گیرد، اما نای توضیح داد که بسته به درک افراد مختلف، ویژگی‌های قدرت نرم را می‌توان منفی یا مثبت دید (Nye, 2003: 56). «دیپلماسی عمومی» همان قدرت نرم نیست، بلکه جزئی از آن است. اگرچه برخی محققان (Stengel, 2014) این دو اصطلاح را اشتباه گرفته‌اند. دیپلماسی عمومی یک تلاش ارتباطی عمده است که با ارائه اطلاعات و نمونه‌هایی از جنبه‌های قدرت نرم یک کشور که توسط مخاطب خارجی مثبت تلقی می‌شود، از قدرت نرم استفاده می‌کند. در دیپلماسی عمومی، دولت از روش‌های مختلفی برای دستیابی به اهداف خود استفاده می‌کند که شامل اعزام نوازندگان، گروه‌های تئاتر، مجموعه‌های هنری و عکاسی و سخنرانان به خارج از کشور برای نشان دادن جنبه‌هایی از فرهنگ خود است (Rugh, 2017: 3). در این راستا، می‌توان به قدرت نرم چین و کاربرد دیپلماسی عمومی در در آسیای مرکزی اشاره داشت.

با تداوم رشد سریع اقتصادی چین و قدرت‌یابی آن در نظام بین‌الملل، این کشور بیش‌ازپیش به نقش قدرت نرم در استراتژی خارجی خود وقوف یافته است. چین به گونه‌ای روزافزون به ایجاد قدرت نرم برای پیشبرد استراتژی دیپلماتیک خود گرایش پیدا کرده است، به نحوی که به تدریج افزایش قدرت نرم چین مورد توجه رهبران این کشور قرار گرفته است. چین طی چند دهه گذشته بر روی تقویت قدرت نرم خود تمرکز نموده است. در سیاست خارجی چین درک مشترکی از مفهوم قدرت نرم وجود دارد، زیرا اعتقاد بر این است که قدرت نرم معیار اصلی اعتبار و اهرم منطقه‌ای و بین‌المللی دولت‌هاست (Mingjiang, 2008: 290). توسط محققان مختلف پذیرفته شده که قدرت نرم در استراتژی چین نقشی اساسی دارد (Cho & Jeong, 2008; Wuthnow, 2008). اکثر محققان، ایده نای و تعریف وی از اصطلاح قدرن نرم و دیپلماسی عمومی را پذیرفته‌اند، در حالی که بسیاری از محققان چینی با افزودن نقش فعال رسانه‌های اجتماعی از مواضع اصلی نای منحرف می‌شوند. آن‌ها در مورد نقش رسانه‌ها و دستگاه‌های ارتباطی به عنوان بخش قابل توجهی از قدرت نرم دولت بحث می‌کنند (Cho & Jeong, 2008; 456). گسترش قلمرو و مسئولیت‌های داخلی چین، این کشور را ترغیب کرده است که به‌طور جدی استراتژی‌های قدرت نرم را در سیاست خارجی خود بررسی کند. این پیشرفت نه تنها روند بهبود در زمینه اقتصادی و نظامی چین است، بلکه همچنین رشد جذب فرهنگ و ایدئولوژی چین است (Cheng, 2011: 55). فرهنگ منبع مهمی از قدرت نرم چین است که باعث افزایش علاقه جهانی به آن شده است (Mingjiang, 2008: 294; Arif, 2017: 95).

اهداف قدرت نرم دیپلماسی عمومی توسط کتابخانه‌ها، برنامه‌های کتاب در خارج از کشور و ترجمه کتاب و همچنین برنامه‌های تبادلی دانشجویان و متخصصان خارجی پشتیبانی می‌شوند. برنامه‌های آموزش زبان انگلیسی در خارج از کشور که به عنوان بخشی از تلاش‌های دیپلماسی عمومی ترویج می‌شود، به ویژه برنامه‌هایی که توسط شهروندان آموزش داده می‌شود، به انتقال جنبه‌های جامعه و فرهنگ کمک می‌کند (Rugh, 2014: 8-10). همه این برنامه‌ها برای ارائه جنبه‌هایی از قدرت نرم طراحی شده‌اند که در خدمت جذب مخاطبان خارجی است. کاربرد این نوع دیپلماسی در قالب ابزارهایی همچون رسانه‌های اجتماعی مانند واتساپ و توئیتر؛ روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها؛ و فیلم و مجموعه‌های تلویزیونی در کشورهای مختلفی توسط محققان مختلف

بررسی شده است. به عنوان مثال، در مورد مبنای تقسیم بندی رسانه ها در قالب دیپلماسی عمومی و کاربرد آن می توان به دولت ایالات متحده اشاره نمود. در همین ارتباط، ایالات متحده به کاربرد قدرت نرم خود در مناطق مختلف جهان همچون کشورهای عربی به عنوان بخشی از یک برنامه رسمی دیپلماسی عمومی پرداخته است. همچنین در مورد چگونگی مواجهه با چالش ها و استفاده از قدرت نرم بحث شده است (Rugh, 2017: 4). این مطالعه به روشن شدن این سوال گسترده تر کمک می کند که قدرت نرم چین در آسیای مرکزی به چه نحوی بوده و دارای چالش هایی می باشد. استفاده از ابزار تحلیل قدرت نرم از اهمیت ویژه ای برخوردار است، زیرا به ما کمک می کند تا از تغییر قدرت مداوم بهره مند شویم. این موضوع همچنین شامل چگونگی توسعه و حفظ نقش چین در آسیای مرکزی، و نیز کشف چالش های موجود است (Weissmann, 2020: 354). در ادامه الگوی نظری پژوهش با توجه به قدرت نرم چین در آسیای مرکزی ارائه شده است:



شکل ۱. الگوی نظری پژوهش

نفوذ فرهنگی چین و ابزارهای استراتژیک آن

در سال های اخیر، چین سرمایه گذاری های قابل توجهی در جهت افزایش قدرت نرم خود در سراسر جهان برای تحقق اهداف خود کرده است. این تلاش ها در سال ۲۰۰۵ پس از آن آغاز شد که رهبر پیشین هو جینتاو، هدف خود را ساخت «یک جامعه هماهنگ» و «یک جهان هماهنگ» تعیین کرد.^۱ این علاقه به قدرت نرم منجر به افزایش تحقیقات دانشگاهی در مورد این پدیده شد. ۱. دنیای هماهنگ هو جینتاو با روابط چند جانبه، همکاری متقابل اقتصادی، اشتیاق شدید برای ایجاد محیطی ایجاد می شود که تمدن ها به طور هماهنگ در درون استراتژی های تغییر یافته سیاسی، هم در تعامل مستقیم و هم از طریق سازمان ملل متحد با هم ارتباط پیدا می کنند.

شعبه‌هایی در وزارت امور خارجه ایجاد شدند تا بر دیپلماسی عمومی متمرکز شوند (Kejin, 2015: 167-196). به تدریج بر قدرت نرم به‌جای قدرت اقتصادی و نظامی تمرکز بیشتری به‌عمل آمد و مورد توجه رهبران این کشور قرار گرفت؛ چراکه در عصر ارتباطات جهانی، منابع قدرت نرم مثل فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و دیپلماسی، بخشی از آنچه هستند که باعث قدرت یافتن یک کشور می‌شوند (نریمانی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۷۱).

چین برای پیشبرد دیپلماسی عمومی، طیفی از فعالیت‌ها را انجام داده است. یک برنامه مهم، تأسیس مؤسسات کنفوسیوس در ۶۴ کشور جهان بوده است. هدف این مؤسسات، ترویج مطالعه زبان و فرهنگ چینی است. چینی‌ها به این دیدگاه رسیده‌اند که بزرگ‌ترین مانع برداشت دوستانه از چین مربوط به شکاف بین زبان و فرهنگ غربی و چینی است. به‌منظور پرداختن به این موضوع، در سال ۲۰۰۴ دولت چین، سازمان دولتی هان‌بان ۱ را تأسیس نمود تا مؤسساتی را در سراسر جهان برای آموزش فرهنگ چینی به شهروندان خارجی، ایجاد کلاس‌های آموزشی برای آموزش زبان و تشویق به تبادل فرهنگی برای دانشجویان خارجی تأسیس کند (وب‌سایت هان‌بان، ۲۰۲۰: ۲۰). طبق گزارش دفتر مرکزی کنفوسیوس، در مجموع ۵۱۶ موسسه کنفوسیوس و ۱۰۷۶ کلاس درس کنفوسیوس در ۱۴۲ کشور ایجاد شده و همچنان رو به افزایش است (Berdiev & Can, 2020: 17).

مؤسسات کنفوسیوس سرمایه‌گذاری مشترک بین دانشگاه‌های خارجی و دانشگاه‌های همکار چین هستند. چین در استفاده از رسانه‌های جمعی برای ایجاد پیام‌های جایگزین و تعامل با مردم خارجی دارای برخی مشکلات است. با وجود ماهیت استفاده از رسانه‌ها در چین و رژیم استبدادی آن، دولت چین تلاش‌هایی برای گسترش دسترسی روزنامه‌های چینی و تلویزیون ملی چین به بازارهای خارجی انجام داده است تا بتواند برخی از رسانه‌ها را در اختیار داشته باشد. وسعت دیاسپورای چینی می‌تواند به‌عنوان یک دارایی بزرگ تلقی شود، زیرا شبکه گسترده‌تری از تبادل فرهنگی و گسترش رسانه‌های چینی را فراهم می‌کند (D'Hooghe, 2015: 26). در سال‌های

۱. سازمانی دولتی است که وظیفه‌اش تبلیغ و ترویج آموزش زبان چینی در کشورهای دیگر است. هان‌بان به‌عنوان یک موسسه دولتی به دانشگاه‌های خارجی پول می‌دهد که مراکز مطالعات فرهنگ و زبان چینی تأسیس کنند تا موجب افزایش قدرت فرهنگی چین شود.

اخیر، ابزارهای استراتژیک چین در حوزه قدرت نرم بسیار گسترده شده و دامنه‌ای از ابزارها همچون سینما و مجموعه‌های تلویزیونی را شامل می‌شود. آموزش زبان چینی به‌عنوان یک منبع مهم سیاست فرهنگی ارتقا یافته است. زبان چینی در کشورها و مناطق بیشتری مورد استفاده قرار گرفته و به ابزاری مهم و پلی برای تبادل سیاست خارجی، اقتصاد و تجارت، فرهنگ، آموزش و علوم و فناوری بین کشورها تبدیل شده است (Xiao, 2017: 28).

چین فرهنگ خود را از طریق رسانه‌ها، فیلم‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی در کشورهای دیگر به ویژه در کشورهای آسیای مرکزی ترویج می‌کند (BERDIYEV & CAN, 2020: 17). صنعت فیلم‌سازی چین نیز موقعیت ممتاز بین‌المللی به این کشور بخشیده و به کشوری با بیشترین سالن سینما در جهان تبدیل شده است (Kokas, 2017). به‌منظور محافظت از این بازار، چین سیستمی را اعمال کرده که تعداد فیلم‌های خارجی با بودجه بزرگ را به ۳۴ فیلم در سال محدود نموده است (Kokas, 2017). راهی برای دور زدن این محدودیت، تولیدات مشترک بین‌المللی است. تولید مشترک بین استودیوهای چینی و هالیوود به‌طور فزاینده‌ای معمول شده است: بین سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۱۳، ۴۱ فیلم به‌طور مشترک تولید شده‌اند (Thussu, 2018). با این حال، در تولیدات مشترک، چین دارای قدرت بیشتری است، که شامل کنترل لحظه نمایشگاه، سرمایه‌گذاران چینی و ضبط صحنه‌ها در چین با بازیگران چینی است (Kokas, 2017).

۴. روند گسترش دامنه قدرت و نفوذ فرهنگی چین در آسیای مرکزی

آسیای مرکزی با ۶۰ میلیون جمعیت، ذخایر قابل توجه نفت و گاز و موقعیت مرکزی بین چین، روسیه و کشورهای خزر، نقطه تلاقی محوری و منطقه استراتژیک برای کشورهای قدرت‌طلب در نیمکره آسیا است (Blank, 2010: 283). در این بین، از دهه ۱۹۹۰، آسیای مرکزی از نظر حفظ ثبات سیاسی در سین کیانگ برای چین مهم بوده (Syroyezhkin, 2015: 17) و به‌عنوان منطقه‌ای که دارای موقعیت ژئوپلیتیک مناسب، منابع طبیعی و انرژی سرشار و بازار عمده مصرف جهانی می‌باشد، از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار شده است (دهشیری و نشاسته سازان، ۱۳۹۶: ۷۲). چین به‌طور سنتی مدت‌هاست که با کشورهای آسیای مرکزی روابط نزدیک دارد. دلایل اصلی

این امر احتمالاً پیوندهای اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی و همچنین مجاورت جغرافیایی آن‌هاست (Zhiqun, 2012: 126-129). چین از سال ۲۰۰۰، واردات انرژی را افزایش داد و از سال ۲۰۰۴، به یک رقیب اصلی معاملات بخش انرژی، برای روسیه تبدیل شد (Ionela Pop, 2010: 198-199). ایجاد روابط دوجانبه مستقیم با پکن نیازمند غلبه بر چندین کلیشه بسیار منفی چین بوده که توسط تبلیغات اتحاد جماهیر شوروی ایجاد شده بود، کلیشه‌هایی که نگرانی‌های قدیمی جامعه‌های آسیای مرکزی از همسایه بزرگ خود را تقویت می‌کرد. یک سنت قدیمی آسیای مرکزی که با حماسه‌های شفاهی چند صدساله، چین را به‌عنوان دشمن دور، اما تکراری مردم ترک و به‌عنوان یک مخالف تاریخی اسلام معرفی می‌کند. با این حال، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، پکن به یکی از شرکای اصلی کشورهای آسیای مرکزی تبدیل شده است (Peyrouse, 2016: 15). در واقع منافع چینی‌ها در آسیای مرکزی طی چند مرحله ساختار یافته است. در نیمه اول دهه ۱۹۹۰، نگرانی پکن امضای معاهدات مرزبندی، خنثی‌سازی مرزها و جلوگیری از تقویت جدایی‌طلبی اویغور بود. در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ و اوایل ۲۰۰۰، هدف آن ایجاد بستری برای بحث و کشف متقابل و ایجاد یک چارچوب امنیت جمعی از طریق سازمان همکاری شانگهای بود. در نیمه اول دهه ۲۰۰۰، چین به فعالیت خود در بازار آسیای مرکزی، عمدتاً در صنعت استخراج، زیرساخت‌ها و ارتباطات ادامه داد (O'Neil, 2014: 145-156). سرانجام، از سال ۲۰۰۵، پکن تلاش کرد راه‌هایی را برای ارتقاء زبان و فرهنگ خود و آموزش نخبگان آسیای مرکزی بر اساس مدل چینی ایجاد کند. علی‌رغم تصویر کلی منفی چین در آسیای مرکزی، این کشور موفق شده دیپلماسی قدرت نرم خود را بهبود بخشد، و وضعیت اقتصادی و استراتژیک ارائه شده در عرصه آسیای مرکزی را به‌شدت تغییر دهد (Hauff, 2013: 3).

۱. در طول تاریخ، بعضی از مناطق خاص - که در حال حاضر به‌عنوان آسیای مرکزی شناخته می‌شوند - گاهی تحت سلطه امپراتوری چین بودند. این امر به تحکیم زمینه تاریخی روابط بین چین و آسیای مرکزی کمک کرده است.
 ۲. روابط بین آسیای مرکزی و چین صرفاً بر اساس حل و فصل مسائل مرزی قدیمی بنا نشده است، بلکه در مدیریت مسئله دشوار اویغور نیز بوده است. در سال ۱۹۹۶، با شدت گرفتن تنش‌ها در سین کیانگ، پکن هر دو دولت قزاقستان و قرقیزستان را مجبور به انحلال همه انجمن‌های خودمختار اویغور کرد. هر دو دولت با همکاری برخی از رهبران محلی اویغورها، سرورترین انجمن‌ها را منحل و سعی در نفوذ در انجمن‌های موجود را داشتند. هنگامی که مشکل اویغور کنترل شد، چین در زمینه مسائل امنیتی سرمایه‌گذاری کرد.

چین با پیشبرد برنامه‌های خود مانند کمربند اقتصادی جاده ابریشم ۱ ارتباطات خود را، به‌ویژه در زمینه‌های امنیتی و اقتصادی با کشورهای آسیای مرکزی بهبود بخشیده که نشان‌دهنده عمق توجه چین به این منطقه است. طبق گزارش واردات و صادرات کشورهای آسیای مرکزی از چین در سال ۲۰۲۰، این کشور بزرگ‌ترین شریک تجاری قرقیزستان و ازبکستان از نظر واردات و بزرگ‌ترین شریک تجاری ترکمنستان از نظر صادرات است. از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹، صادرات کالا از کشورهای آسیای مرکزی به چین ۳۵ درصد از ۱۵,۰۵۴ میلیون دلار به ۲۰,۲۷۶ میلیون دلار رشد کرده است. قزاقستان، تاجیکستان و ازبکستان سریع‌ترین رشد را با بیش از ۵۰ درصد گزارش کرده‌اند. این مشخصات را می‌توان در جدول زیر یافت:

جدول ۱. نقش چین به‌عنوان مهم‌ترین شریک تجاری آسیای مرکزی^۱؛ منبع - گزارش واردات و صادرات کشورهای آسیای مرکزی از چین^۳

کشورهای آسیای مرکزی			واردات از چین			صادرات به چین
-	رتبه‌بندی چین به‌عنوان یک شریک تجاری	حجم تجارت (میلیون دلار)	سهم در کل واردات کشور	رتبه‌بندی چین به‌عنوان یک شریک تجاری	حجم تجارت (میلیون دلار)	سهم در کل صادرات کشور
قزاقستان	۲	۶,۵۳۷	٪۱۷,۰	۲	۷,۸۲۳	٪۱۳,۶
قرقیزستان	۱	۱,۷۳۳	٪۳۵,۴	۶	۸۱	٪۴,۱
تاجیکستان	۳	۶۰۵	٪۱۸,۲	۵	۵۵,۴	٪۵,۰
ترکمنستان	۳	۴۳۱	٪۱۴,۳	۱	۸,۶۸۶	٪۸۰,۲
ازبکستان	۱	۵,۰۵۲	٪۲۳,۱	۳	۱,۷۶۸	٪۱۲,۳

روند تعاملات بین چین و همسایگان غربی آن در آسیای مرکزی به‌طور کلی مثبت بوده است. دلیل آن دالان تجاری جهانی آن زمان، یعنی جاده ابریشم است که از چین شروع می‌شود و از آسیای مرکزی عبور می‌کند (Swanstrom, 2011: 15-16). به‌غیر از پیوندهای تاریخی، عوامل

1. SREB

2. Chinas role as central asias most important trading partner

۳. قابل دسترس در:

<https://www.china-briefing.com/news/china-and-central-asia-bilateral-trade-relationships-and-future-outlook/>

مهم دیگری نیز وجود دارد که عامل تقویت و گسترش قدرت نرم چین در منطقه آسیای مرکزی است (Goble, 2018: 30). در دوران مدرن، علاقه چین به گسترش و تقویت دیپلماسی عمومی خود در آسیای مرکزی با اهمیت کلی این منطقه از نظر پتانسیل‌های استراتژیک و اقتصادی برای چین همزمان شده است. چین با اشراف به ساختار ضعیف و فقیر اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی و برای نفوذ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود، استراتژی‌های متعددی را پی‌ریزی کرده است. از جمله اولین فعالیت‌های رسمی چین در گسترش نفوذ فرهنگی خود در این منطقه، برگزاری «نمایشگاه تجارت کاشی» در سین کیانگ بود که سالانه کشورهای آسیای مرکزی و آسیای جنوبی در آن شرکت می‌کنند. در نتیجه، رادیو بین‌المللی چین پخش برنامه‌های ۲۴ ساعته خود را در منطقه آغاز کرد. این برنامه‌ها به‌ویژه در قزاقستان از تنوع بیشتری برخوردار بوده است. با این وجود، تجارت غیررسمی در مرز، روابط فردی و پیوندهای تاریخی مهم‌ترین عواملی می‌باشد که به گسترش قدرت نرم چین در آسیای مرکزی در سال‌های اولیه کمک کرده است (Swanstrom, 2011: 1-2).

در پایان سال ۲۰۱۴، چین موفق شد مؤسسات کنفوسیوس را در چهار کشور از پنج کشور آسیای مرکزی یعنی (قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان) تأسیس کند (Confucius Institute, 2014). اگرچه فعالیت‌های چین در گسترش مؤسسات کنفوسیوس محدود به چهار کشور فوق است و ترکمنستان را شامل نمی‌شود، پکن تلاش کرده است تا مبادلات فرهنگی با عشق‌آباد را نیز گسترش دهد. یکی از اهرم‌هایی که چین در حوزه فرهنگی در آسیای مرکزی دارد، فرهنگ محبوب آن است. موسیقی، فیلم‌ها و سایر محصولات چینی به‌طور فزاینده‌ای مورد توجه بسیاری از کشورهای آسیایی، به‌ویژه در میان جوانان قرار گرفته است. بنابراین چین در آسیای مرکزی با استفاده از ابزارهای فرهنگی همچون مؤسسات کنفوسیوس، فیلم و مجموعه‌های تلویزیونی، رویکرد چندبعدی به قدرت نرم را دنبال کرده و در عین حال مدل سیاسی و اقتصادی خود را با توجه به ویژگی‌های چینی ترویج کرده و تلاش کرده فرهنگ چینی را بسط دهد (Peyrouse, 2019: 2). اکنون پس از پرداختن به پیش‌درآمد و زمینه روند گسترش قدرت و نفوذ فرهنگی چین در آسیای مرکزی، در ادامه به ابزارهای رسانه‌ای به کار گرفته شده برای تحقق اهداف چین و چالش‌های پیش‌روی آن می‌پردازیم.

۵. ابزارهای رسانه‌ای قدرت نرم چین در آسیای مرکزی

چین سعی کرده است تا روابط فرهنگی خود را با کشورهای آسیای مرکزی با استفاده از ابزارهای خاص مانند تولید و پخش برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی، تلاش برای گسترش برنامه‌های تبادل گردشگر و دانشجو و غیره تقویت کند (Zhiqun, 2012: 126-129). ابزارهای قدرت نرم چین با استفاده از رسانه‌های جمعی و مجازی در قالب‌های کوچک‌تری در میان کشورهای آسیای مرکزی مورد استفاده قرار گرفته است. این موضوع نشان از سیاست گسترده چین در استفاده از رسانه‌ها جهت گسترش نفوذ خود در آسیای مرکزی است.

الف) فیلم و مجموعه‌های تلویزیونی

استراتژی‌های قدرت نرم که از سال ۲۰۰۰ دنبال شده است، تلاش کرده که منافع بین‌المللی چین را پیش ببرد و داستان چین را از طریق کانال‌های تلویزیونی خبری و تلویزیونی مانند دیلی پیپل ۱ (دیلی پیپل روزنامه رسمی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین با تیراژ ۳ میلیونی محسوب می‌شود)، گلوبال تایمز ۲ و شبکه جهانی تلویزیون چین برای جهانیان باز گو کند (Shen, 2017: 1). تلویزیون مرکزی چین، که نام خود را به شبکه جهانی تلویزیون چین ۳ در دسامبر ۲۰۱۶ تغییر داد، در ۶ کانال (۲ کانال به زبان انگلیسی و بقیه به زبان‌های عربی، فرانسوی و اسپانیایی) در ۱۷۱ کشور پخش می‌شود (Hu & Gong, 2018: 17). گروه رسانه‌های ۴ یکی از بزرگ‌ترین رسانه‌ها و مجموعه‌های فرهنگی چین و صاحب ایستگاه رادیو و تلویزیون شانگهای ۵ است. کسب و کار گروه رسانه‌های شانگهای شامل فعالیت شبکه‌های رادیو و تلویزیون، انتقال سیگنال، روزنامه‌ها و مجلات، تولید و پخش فیلم‌های درام، پخش سریال، بازی آنلاین و کنسول، تبلیغات دیجیتال، خرید خانه و تجارت الکترونیک، اطلاعات مالی و خدمات اطلاعاتی، آموزش هنرهای کودکان، خدمات پس از تولید تلویزیون، سرگرمی‌های زنده، گردشگری و سرمایه‌گذاری‌های

1. People's Daily
2. Global Times
3. CGTN
4. SMG
5. RTS

فرهنگی و غیره است. رادیو بین‌المللی چین به ۶۵ زبان پخش می‌شود و دومین سازمان بزرگ رادیویی در جهان پس از رادیو بی‌بی‌سی است (Ramos & Menechelli, 2019: 7). افزایش تعداد زیاد فیلم‌های چینی در کشورهای آسیای مرکزی را می‌توان نشانه‌ای از افزایش ارتباط فرهنگی بین چین و آن کشورها دانست (Xi, 2021: 22). در چارچوب «پروژه جاده فیلم ابریشم و پل تلویزیونی»^۱ که در سال ۲۰۱۵ راه‌اندازی شد، نسخه‌های زبان تاجیکی و قرقیزی برخی از فیلم‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی برجسته چینی، از جمله مستندهای «چای: داستان برگ»^۲ و «داستان چینی»^۳ است. «داستان چینی» به تاجیکی و «جاده ابریشم: سفر ادامه دارد»^۴ و «پروژه‌های عظیم چین»^۵ در قرقیزستان و از طریق برنامه‌های تلویزیونی ملی کشور پخش شده است. در ژوئن سال ۲۰۱۸، هیئت‌هایی از تاجیکستان و قرقیزستان در اولین جشنواره فیلم سازمان همکاری شانگهای در چین شرکت کردند. در تاریخ ۱۰ ژوئن سال ۲۰۱۹، یک رویداد مهم با عناصر فرهنگی چینی به مناسبت افتتاح «غرفه چین»^۶ در دانشگاه علوم انسانی بیشکک برگزار شد. برنامه‌هایی با ویژگی‌های چینی مانند اپرا کونکو، بطنی، هنر نمایشی تغییر چهره و همچنین رقص‌های سنتی قرقیز اجرا شد (Bo, 2019: 21). دلیل اصلی انتشار فیلم‌های چینی و سایر مبادلات رسانه‌ای، عمدتاً به دلیل تبادل فرهنگی بوده است.

فیلم تبلیغاتی «حزب کمونیست. چین در طول راه با شماس»^۷، یک فیلم کوتاه است. این فیلم به‌طور رسمی توسط دلی پبیل بزرگ‌ترین گروه روزنامه در چین ساخته شده است (Xin, 2020: 2). علاوه بر نسخه اصلی چینی، دارای نسخه‌هایی به زبان‌های انگلیسی، اسپانیایی، ژاپنی، فرانسوی، روسی، پرتغالی، عربی، تبتی، قزاقستانی، اویغوری، ژوانگ، مغولی و سایر زبان‌های اقلیت در چین می‌باشد (Xiang, 2019: 16). اندکی پس از شی جین‌پینگ^۸ به‌عنوان رئیس‌جمهوری خلق چین در مارس ۲۰۱۳، این فیلم کوتاه تولید شد. جیمز آردی^۹ (۲۰۱۴)، خبرنگار وال‌استریت ژورنال، از

1. Silk Road Film & Television Bridge Project
2. Tea: Story of the Leaf
3. Porcelain Story
4. Silk Road: The Journey Goes on
5. China's Mega Projects
6. China Pavilion
7. CPC
8. Xi Jinping
9. James Areddy

این فیلم به عنوان تلاش قابل توجه مقامات چینی تحت رهبری شی، برای قدرت نرم از طریق ویدئو یاد می‌کند. ژائو یوژی^۱ (۲۰۱۵)، محقق برجسته اقتصاد سیاسی ارتباطات در چین، استدلال نموده است که از طریق این فیلم، حزب کمونیست چین پیامی واضح ارسال کرده است که حزب مایل است در کنار مردم عادی چینی بایستد و به آن‌ها کمک کند تا به آرزوهایشان دست یابند.

فیلم‌ها و نمایش‌های تلویزیونی چینی در آسیای مرکزی، علاوه بر ایجاد لذت، باعث ایجاد اشتراکاتی بین نسلی از مردم چین و مردم کشورهای آسیای مرکزی شده است. تبادل فرهنگی که از طریق این فیلم‌ها انجام می‌شود به یکپارچگی چین با کشورهای آسیای مرکزی کمک می‌کند. تأثیر این مسئله در قدرت نرم چین هنوز هم در حال گسترش است و نقش مهمی در رشد مناسبات آینده چین دارد. چراکه کیفیت فیلم‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی چینی در حال افزایش است و به دلیل احساسات ملی‌گرایانه، جذابیت بیشتری در میان کشورهای آسیای مرکزی دارند (Sun, 2021: 24).

ب) روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها

چین برای تقویت قدرت نرم خود، به ارتقا رسانه‌ها، مراکز فرهنگی و هنری اقدام کرده است (Wolf & Wang, 2013:12). در سال ۲۰۰۹، دولت چین تصمیم گرفت با بودجه تقریباً ۶ میلیارد دلار، ابتکار بین‌المللی سازی رسانه‌ها را تسریع کند. در سال ۲۰۱۰، چهار آژانس رسانه‌ای پکن - خبرگزاری شین هوا^۲، تلویزیون مرکزی چین^۳، رادیو بین‌المللی چین^۴ و روزنامه‌های چین، شعبات جدیدی را در بخش‌های بین‌المللی برای چین ایجاد کردند. خبرگزاری شین هوا در حال حاضر ۱۸۰ دفتر بین‌المللی دارد و با بیش از ۳ هزار خبرنگار و کارمند محلی، نشریات به هشت زبان (چینی، انگلیسی، فرانسوی، روسی، اسپانیایی، عربی، پرتغالی و ژاپنی) و همچنین برنامه‌های صوتی، تصویری و عکاسی ۲۴ ساعته از آسوشیتدپرس، رویترز و خبرگزاری فرانسه پیشی گرفته است (Yang, 2018: 17). در سال ۲۰۱۸، چین حق چاپ بیش از ۱۹۰ عنوان کتاب را به قرقیزستان داد. کتابی درباره «ساخت مشترک کمربند و جاده» از جمله کتاب‌هایی است که در

1. Yuezhi Zhao
2. Xinhua News Agency
3. CCTV
4. China Radio International

قرقیزستان ترجمه و منتشر شده است. شانز، یک کتاب‌فروشی در بیشکک، پایتخت قرقیزستان، اولین کتاب‌فروشی در آسیای مرکزی است که آثار نویسندگان چینی ترجمه‌شده به زبان‌های قرقیزی و قزاقستانی را می‌فروشد و به‌عنوان دریچه‌ای برای خوانندگان محلی برای یادگیری زبان چین است (Bo, 2019: 21).

چین توجه زیادی به رسانه‌های خارجی زبان خود دارد تا بتواند تصویر مثبتی از چین برای مخاطبان خارجی ارائه نماید. این رسانه‌ها به چین اجازه داده تا مخاطبان گسترده‌ای داشته باشد. آژانس خبری دولت مرکزی، شین هوا، دارای ۱۷۰ دوره بین‌المللی است و از سال ۲۰۲۰، ۲۰۰ برنامه را اجرا می‌کند (Berdiyev & Can, 2020: 18-19). بنابراین یکی از ابزارهای قدرت نرم چین، استفاده و گسترش رسانه‌های جمعی و مجازی به‌مانند فیلم و شبکه‌های خبرگزاری به‌مانند خبرگزاری شین هوا است. به‌گونه‌ای که امروز شین هوا در بیش از صد کشور دنیا دفتر نمایندگی فعال دارد و به‌طور دائم اخبار چین را در کشورهای دیگر دنیا به رسانه‌ها انتقال داده و اخبار دیگر کشورها را برای شین هوا مخابره می‌کند. شین هوا و دیگر خبرگزاری‌ها همچون شبکه‌ی تلویزیونی چین، بسیاری از اطلاعات مربوط به چین را در دنیا منتشر می‌کنند و منتظر انتشار اخبار و تحولات چین از سوی دیگر دولت‌ها با تفسیر خودشان نمی‌مانند. این مسئله به‌طور چشمگیری باعث کاهش اعتبار اخبار منفی در مورد کشور چین در سطح بین‌الملل و به‌ویژه در میان کشورهای دوست و همسایه شده است.

ج) رسانه‌های مجازی (واتساپ، توئیتر و غیره)

رسانه‌ها و شبکه‌های خبری چین به‌عنوان ابزاری برای دیپلماسی عمومی چین در کشورهای آسیای مرکزی می‌باشد که خوانندگان و تماشاگران اصلی آن، دانشگاهیان و دانشجویان است (Kishan Thussu & Et al, 2018: 21). در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰، چین بیشتر از هر زمان دیگری، سرمایه‌گذاری گسترده‌ای را برای نوآوری‌های دیجیتال و رسانه‌های مجازی در قالب واتساپ و توئیتر انجام داده است. این امر در حضور شرکت‌های ارتباط از راه دور دیجیتال و

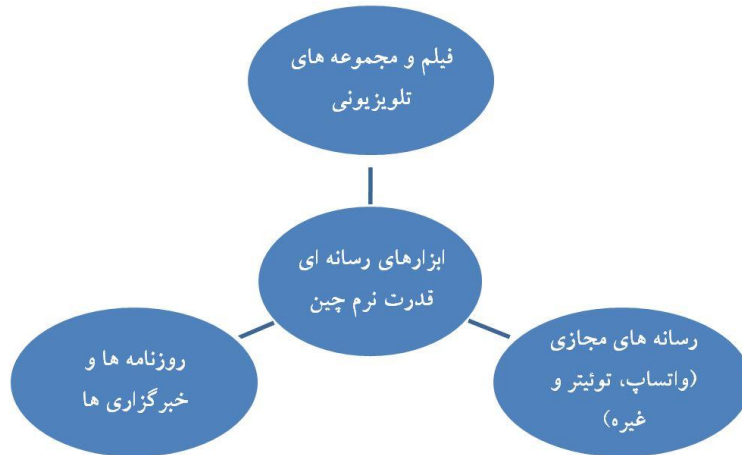
مخابراتی چینی در بازار داخلی و همچنین خارج از کشور مشهود است (Yecies & Et al, 2019: 19). گزارش‌ها حاکی از آن است که ۲,۱ میلیون شهروند قزاقستان از اتصال ثابت به اینترنت استفاده می‌کنند. افزایش استفاده از اینترنت پس از معرفی تری جی و متعاقباً اتصال به فور جی مشاهده شد. قزاق تلکام^۱ شرکت ارائه‌دهنده خدمات اینترنت است که به‌طور عمده توسط دولت اداره می‌شود (Anceschi, 2015). فیس بوک و توئیتر به‌عنوان بستری برای حفظ ارتباطات اجتماعی توسط تعداد انگشت‌شماری از شهروندان این کشورها استفاده می‌شود (Laruelle, 2019).

سانسور دقیق چندپردازی متقارن شامل سیستم نرم‌افزاری و سخت‌افزاری در قزاقستان جای خود را به شیوه فعلی اشتراک اطلاعات غیرسیاسی در اینترنت داده است، که عمدتاً با سیاست‌های کشورهای همسایه مانند چین هماهنگ است (Gaur & Gupta, 2021). قرقیزستان پس از قزاقستان در آسیای مرکزی، دومین میزان استفاده از اینترنت را ثبت کرده است (Reyaz, 2020). طبق مطالعات صورت گرفته در سال ۲۰۱۷، افراد بزرگ‌سال رادیو و تلویزیون را به‌عنوان منبع اصلی دریافت اطلاعات در نظر گرفته‌اند، در حالی که جوانان اینترنت را ترجیح می‌دهند (Zhorobekova, 2017). واتساپ و فیس بوک جذاب‌ترین رسانه‌های اجتماعی و منبع سرگرمی و ابزارهایی برای معاشرت هستند. طبق آمار اینترنتی تاجیکستان از سال ۲۰۱۸، ۳ میلیون نفر کاربر اینترنت هستند (Asia Marketing Research, 2020).

ازبکستان و ترکمنستان سهم بزرگی در ادبیات تحقیق جهانی داشته‌اند. زبان چینی به این کشور نیز وارد شده و در فیلم‌ها و رسانه‌های اجتماعی کاربرد پیدا کرده است (Yazliyeva, 2020). بنابراین از ابزارهای قدرت نرم چین، استفاده و گسترش رسانه‌های جمعی و مجازی مانند فیلم و مجموعه‌های تلویزیونی، روزنامه‌ها و خبرگزاری و همچنین رسانه‌های مجازی و اینترنتی (واتساپ و توئیتر) بوده است. در واقع ابزارهای قدرت نرم چین به‌صورت

1. Kazaktelekom

برنامه‌های رسانه‌ای در قالب‌های کوچک‌تری در میان کشورهای آسیای مرکزی مورد استفاده قرار گرفته‌اند که در قالب نمودار ارائه شده‌اند:



شکل ۲. ابزارهای رسانه‌ای قدرت نرم چین در آسیای مرکزی؛ منبع - یافته‌های پژوهش (۱۴۰۰)

۶. چالش‌های پیش روی قدرت نرم چین در آسیای مرکزی

در سال‌های اخیر، چین ایده قدرت نرم را با علاقه شدیدتر پذیرفته است. امروزه، قدرت نرم راهبرد کلیدی پکن در سیاست بین‌الملل است، البته نه به شیوه‌ای که این مفهوم در غرب درک و اعمال می‌شود. با این حال، به سختی می‌توان گفت که این استراتژی در آسیای مرکزی با وجود دیده شدن و حضور رو به رشد چین در دو دهه گذشته، ثمربخش بوده است. به طور کلی، راه‌درازی برای تحکیم قدرت نرم چین در این منطقه وجود دارد. چین در برخی از بخش‌های جوامع این منطقه مورد تحسین قرار گرفته است، اما هنوز زود است که تصور کنیم درازمدت پکن همچنان از افزایش قدرت نرم در این منطقه برخوردار خواهد بود. در این میان، فعالیت‌هایی که به وجهه چین آسیب می‌زند، مسائل را پیچیده‌تر کرده و قدرت نرم چین در آسیای مرکزی را تضعیف کرده است (Shangwe, 2017: 80). قدرت نرم چین با چالش‌هایی روبرو بوده که توانایی دیپلماسی آن را محدود کرده است (Berdiev & Can, 2020: 15-24). بحث‌های فزاینده در محافل سیاسی و دانشگاهی درباره حضور و سیاست‌های چین در آسیای مرکزی حاکی

از آن است که پکن در تلاش است تا جذابیت خود را با استفاده مؤثر از قدرت نرم نشان دهد. با این وجود، در به دست آوردن قلب و ذهن مردم در خارج از کشور با دشواری روبه‌رو بوده است.^۱ این تحلیل به این معنا نیست که سیاست قدرت نرم چین، در آسیای مرکزی محکوم به شکست است. بلکه بدان معناست که موفقیت آن‌ها به ظرفیت مقامات چینی در پاسخگویی به مسائل غیرشفاف و توانایی تجدیدنظر در استراتژی خود بستگی دارد (Shambaugh, 2013: 169).

ماهیت سرکوبگرانه سیستم سیاسی چین، که شی جین پینگ حتی آشکارتر از هون جینتائو اعمال کرده است، احتمالاً از طریق واکنش‌هایی منفی که در خارج از کشور ایجاد می‌کند، تأثیر قدرت نرم چین را به میزان قابل توجهی با مشکل مواجه می‌کند. از سال ۲۰۱۷، افشای اردوگاه‌های آموزش مجدد در سین کیانگ، که به‌طور گسترده در رسانه‌های آسیای مرکزی گزارش شده است، با حضور ۸۰۰۰۰۰ تا ۲،۰۰۰،۰۰۰ مسلمان از جمله ده‌ها هزار قزاق و قرقیز، به تصویر چین در آسیای مرکزی آسیب رسانده است (Peyrouse, 2019: 6). ضمن این که چین دیپلماسی عمومی دولت را با قدرت نرم اشتباه گرفته است، که «عمدتاً از جامعه نشأت می‌گیرد». همان‌طور که صریحاً توسط فو یینگ ۲ بیان شده است که: «دولت چین از عبارات قدرت نرم، دیپلماسی عمومی و تبلیغات خارجی به جای یکدیگر استفاده کرده است» (Shambaugh, 2013: 168). نزدیکی بسیار فعال کشورهای آسیای مرکزی با چین و افزایش مهاجران چینی‌ها در قلمرو این کشورها، موجب نگرانی مردم محلی منطقه شده است. به میزان افزایش نفوذ پکن در آسیای مرکزی، مخالفت مردم برخی از مناطق با «سلطه چینی‌ها» در حال تبدیل شدن به چالش جدی استراتژیک برای این کشور می‌باشد. این نتیجه تلاش‌های چین برای نزدیکی با کشورهای منطقه از راه سرمایه‌گذاری و از جمله با استفاده از اهرم‌های مادی و تشویق خصوصی در چارچوب دیپلماسی قدرت نرم است.

۱. کتاب دیوید شامبو و همچنین نظرسنجی‌های انجام شده توسط مرکز تحقیقات پیو تأثیر ضعیف قدرت نرم چینی را در سطح جهانی نشان داده است، از جمله در قاره‌های آفریقا یا آمریکای جنوبی که پکن از هیچ تلاشی برای سرمایه‌گذاری و ارتقا مدل توسعه خود دریغ نکرده است. برای مطالعه بیشتر ر. ک:

Peyrouse, Sebastien (2019). On the (Belt &) Road to Failure? The Challenges of China's Soft Power Policy in Central Asia (and Beyond), Policy Memos, 25 September 25, page 1-21. <https://www.ponarseurasia.org/on-the-belt-road-to-failure-the-challenges-of-china-s-soft-power-policy-in-central-asia-and-beyond/>

۲. معاون وزیر امور خارجه چین

این چالش‌ها و مشکلات باعث شده تصویر چین در آسیای مرکزی بسیار شکننده گردد، چراکه دانش محلی در مورد این کشور هنوز هم توسعه نیافته است. بنابراین دولت‌های آسیای مرکزی جانب احتیاط را مدنظر قرار داده‌اند. تاکنون، دستاورد اصلی چین در منطقه آسیای مرکزی، توانایی آن در نشان دادن قدرت اقتصادی خود و همچنین ارائه اقتدارگرایی و تمرکزگرایی به عنوان ستونی برای توسعه سریع و ثبات بوده است. در واقع علی‌رغم افزایش تأثیرات قدرت نرم چین در آسیای مرکزی در سال‌های اخیر، در حال حاضر در مقایسه با نفوذ روسیه و غرب محدود هستند. باین حال، نقش زبان و فرهنگ روسی در منطقه در حال کاهش است و سهم قابل توجهی از جوانان تحصیل کرده که نخبگان سیاسی آینده را تشکیل می‌دهند، با فرهنگ چینی افزایش یافته است (Aliyev, 2019: 19). به نظر می‌رسد که ترویج هنجارهای لیبرال دمکراتیک توسط اتحادیه اروپا یا ایالات متحده، و یا ترویج هنجارهای اسلامی توسط ترکیه، می‌تواند رقیبی برای قدرت نرم چین در این منطقه باشد. این بازیگران می‌توانند استراتژی‌های قدرت نرم چین در آسیای مرکزی را به روش‌های مختلفی به چالش بکشند. پکن برای اینکه سیاست‌های قدرت نرم خود را واقعاً کارآمد سازد، باید فراتر از نشان دادن آنچه مختص چین است و متقاعدکننده نشان دادن آنچه در مورد سیستم جهانی است یا می‌تواند جهانی باشد، باید مدل‌ها و مفاهیم چینی را که تاکنون در میان جمعیت آسیای مرکزی موجب ترس و دلهره شده‌اند، از بین ببرد.

نتیجه‌گیری

ریشه‌ی علاقه چین به قدرت نرم در تعهد این کشور برای دستیابی به منافع ملی است. هم‌جواری جغرافیایی و همچنین پیوندهای تاریخی و فرهنگی بین چین و کشورهای آسیای مرکزی، زمینه مناسبی را برای نقش‌آفرینی چین در حوزه‌های فرهنگی فراهم کرده است. باین حال، چین تنها به پیوندهای تاریخی و فرهنگی اکتفا ننموده، بلکه سیاست‌های خاصی را در چارچوب استفاده از دیپلماسی عمومی برای گسترش قدرت نرم خود در آسیای مرکزی اتخاذ کرده است. دولت چین چندین برنامه را برای اجرای سیاست‌های نرم خود در نظر گرفته است. یکی از ابزارهای قدرت نرم

چین، استفاده و گسترش رسانه‌های اجتماعی است. چین از ابزارهایی مانند تولید و پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، نمایشگاه‌های فرهنگی و صادرات محصولات فرهنگی، تقویت روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها و همچنین رسانه‌های مجازی به‌مانند واتساپ و توئیتر استفاده کرده تا نفوذ فرهنگی خود را در آسیای مرکزی افزایش دهد و از این طریق، به تبلیغ دیدگاه‌های خود و مقابله با تصاویر منفی خود در رسانه‌های بین‌المللی بپردازد. درست است که چین از قدرت نرم به‌عنوان راهی منحصربه‌فرد برای ترویج فرهنگ خود برای افزایش نفوذ خود در جهان، به‌ویژه در آسیای مرکزی استفاده کرده است، اما به دلیل چالش‌هایی همچون عدم محبوبیت فرهنگ چینی و پیچیدگی زبان ماندارین که وجود داشته است، همچنان به تبدیل شدن به قدرت اصلی در این زمینه در میان کشورهای آسیای مرکزی فاصله دارد. قدرت نرم چین عمدتاً به‌عنوان ابزاری برای اهداف دفاعی و نه تهاجمی از جمله تأکید بر صلح و ثبات، ترویج تصویری بهتر از چین تلقی شده است. به‌لحاظ زبانی، زبان چینی به زمان زیادی برای یادگیری نیاز دارد. درحالی‌که زبان‌های روسی و انگلیسی در این منطقه اولویت یادگیری زبان خارجی هستند، اما علاقه‌مندی روزافزون به مطالعه زبان چینی امری کاملاً مشهود است که در کنار رشد شبکه‌های کنفوسیوس، دسترسی به صندوق‌های سرمایه‌گذاری و معرفی رسانه‌های جمعی چینی، قابل توجه می‌باشد. باوجود تمام این موارد، همچنان توانمندی چین در مقوله قدرت نرم نسبت به دیگر مؤلفه‌ها (اقتصادی و نظامی) اندک است.

فهرست منابع

منابع فارسی:

- الهوردی‌زاده، رضا (۱۳۹۸)، تبیینی بر دسترسی دریایی و سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای دریایی، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، ۲۳-۳۲.
- الهی، همایون، خلیج فارس و مسائل آن، تهران، انتشارات قومس، ۱۳۹۴.
- ابراهیمی خوجین، محمدتقی، روند الگوهای امنیت در خلیج فارس، مجموعه مقالات علمی- پژوهشی نهمین همایش ملی خلیج فارس، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۲.
- ابراهیمی‌فر، طاهره، (۱۳۹۰) الگوهای اعتمادسازی در منطقه خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۹۴-۱۱۸.
- احمدیان، قدرت، عبدالهی، زهرا. (۱۴۰۰). تحلیلی بر تشدید منازعات منطقه‌ای در دوران ابهام قطبیت ساختار سیستم بین‌الملل: مطالعه موردی غرب آسیا (۱۹۹۱-۲۰۱۹). مجله سیاست دفاعی، ۳۰ (۱۱۷)، ۹-۴۹.
- اردوان، پروین، بررسی وضعیت زیست‌محیطی خلیج فارس و چالش‌های پیش‌رو با کشورهای همسایه، انتشارات کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین ایران و جهان، ۱۳۹۶.
- اسدی، بیژن، خلیج فارس و مسائل آن، انتشارات سمت، ۱۳۸۴.
- اشتریان، کیومرث، جعفری هفتخوانی، نادر، (۱۳۹۶)، تصمیم‌گیری در سیاست خارجی و نقش دیپلماسی عمومی در فرآیند تصمیم‌سازی، اندیشه مدیریت راهبردی، ۱۱۱-۱۴۰.
- اشراقی، مهرداد. (۱۳۹۰). جنگ آینده، فصلنامه راهبرد دفاعی، ۹ (۴)، ۳۳-۶۱.
- امیری، مجتبی، نظریه برخورد تمدن‌ها، هانتینگتون و منتقدانش، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۹۳، ویرایش دوم.
- امینیان، بهادر، نقش اسطوره‌ها در هویت ملی و ملت‌سازی، نشریه ادبیات پایداری، سال سوم، شماره پنجم، پاییز ۱۳۹۰.
- آن اسمیت، ادوارد. (۱۳۹۷)، عملیات تأثیرمحور به کارگیری جنگ شبکه‌محور؛ در صلح، بحران و جنگ. مترجم، محمدی نجم، سیدحسین، میری، یاسر. تهران، انتشارات دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- آلوین و هایدی تافلر، جنگ و ضد جنگ، ترجمه شهیندخت خوارزمی، نشر سیمرخ، تهران، ۱۳۷۲.
- بزرگمهری، مجتبی، طباطبایی، سید مجتبی، تأثیر فعالیت‌های مسالمت‌آمیز انرژی هسته‌ای ایران بر امنیت منطقه خلیج فارس، نشریه راهبرد سیاسی، شماره ۱، بهار ۱۳۹۷.
- بصیری، محمدعلی، بانزاد، رضا، رشید، معصومه. (۱۳۹۴) فرصت‌ها و چالش‌های استفاده از منابع مشترک نفت و گاز در روابط ایران و کشورهای خلیج فارس، نشریه فرهنگی و سیاسی خلیج، شماره ۳، ۶۲-۸۵.
- بیگی‌زاده، مرضیه، بصیرت منش، حمید، (۱۳۹۵)، چگونگی ظهور و سقوط کشورهای پرتقال، هلند، انگلیس و فرانسه در خلیج فارس، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، همایش ملی خلیج فارس، دوره ۱۱.
- جالینوس، احمد و قورجیلی، حامد و امری، سجاده، ایران هسته‌ای و تأثیر آن بر روند همگرایی بیشتر با شورای همکاری خلیج فارس، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی، سال دوم، ش ۵، ۱۳۹۱.

- جوباگی، (۱۳۸۵)، عملیات تاثیر محور، مترجم، سهراب سوری، تهران، انتشارات مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی.
- حبیبی، نیک‌بخش، ماهیت قدرت هوایی، تهران، انتشارات دفتر مطالعات راهبردی نهجا، ۱۳۹۶.
- خزایی، سعید. نصرتی، علیرضا. و تکلوی، فاطمه. (۱۳۹۴)، واکاوی پدیده آواتاریسم با روش تحلیل لایه ای علت ها. چشم انداز مدیریت دولتی، صص ۲۶-۴۱.
- خزایی، سعید، جلیلود، محمدرضا، نصرالهی، وسطی، لیلا، ۱۳۹۴، بررسی نظری روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها در حوزه آینده‌پژوهی، سال دوم، شماره ششم، تابستان.
- راجی، محمدهادی. و افتخاری، اصغر. (۱۳۹۸). جنگ ترکیبی غرب در برابر جمهوری اسلامی ایران (تحلیل ابعاد و روش‌ها). مجله سیاست دفاعی، ۲۸(۱۰۹)، صص ۷۵-۱۱۱.
- رستمی، فرزاد. (۱۳۹۵). تحول در ماهیت جنگ‌های آینده؛ جمهوری اسلامی ایران؛ سناریوها، فرصت‌ها و چالش‌ها، مجله سیاست دفاعی، ۲۵(۹۷)، صص ۱۹۰-۱۴۵.
- رشید، غلامعلی. محرابی، غلامرضا. کلانتری، فتح‌الله. شجاعی، شهرام. و زنجانی، داود. (۱۳۹۳). واکاوی الگوهای حاکم بر جنگ آینده و مقایسه آن با جنگ هشت ساله و جنگ‌های اخیر. راهبرد دفاعی، ۱۲(۴)، ۱-۳۰.
- رضایی، بهرام. (۱۳۸۴). تاثیر خلیج فارس بر امنیت ملی ایران. علوم و فنون نظامی، ۲(۳)، ۱۲۷-۱۳۸.
- زاهدی، اصغر، بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، ستاد تبلیغات جنگ شورای عالی دفاع، تهران، ۱۳۹۱.
- زهاب‌سلماسی، یعقوب، ۱۳۹۴، جنگ‌های آینده، انتشارات دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا.
- زهدی، یعقوب، کلانتری، فتح‌الله، واکاوی رویکردهای جنگ آینده، انتشارات مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
- سامیر، آلاله. و گرگانی، سید امیر حسین. و چشمه قصابانی، مریم. (۱۳۹۹). خوانش معماری به مثابه ی متن با رویکرد نشانه شناسی ساخت گرا (نمونه موردی: مرکز فرهنگی-سینمایی دزفول). نخبگان علوم و مهندسی، ۵(۳)، ۴۷-۶۲.
- سیاری، حبیب الله. (۱۳۸۸)، الگوی موازنه قدرت در راهبردهای امنیتی خلیج فارس، علوم و فنون نظامی، سال ششم پاییز ۱۳۸۸ شماره ۱۴، ۶-۲۱.
- شریفی، شهاب. و آجودانی، فرشید. (۱۳۹۲). الزامات ژئوپلیتیک پیمان دفاعی مشترک کشورهای حوزه خلیج فارس. علوم و فنون نظامی، ۹(۲۳)، ۸۷-۱۰۶.
- صارمی، کریم، پرواس، سیدرضا، ۱۳۹۳، جنگ ناهم‌تراز، انتشارات دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا.
- فخرایی، مرضیه. کیقبادی، مرضیه. (۱۳۹۶)، نگاهی به روش‌های آینده پژوهی؛ معرفی شش تکنیک مهم و پرکاربرد در آینده پژوهی/ترجمه و تالیف مرضیه فخرایی، مرضیه کیقبادی، تهران، انتشارات آینده پژوه.
- کریمی، جواد، جنگ دوم خلیج فارس، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، شماره ۱۶، ۱۳۹۴.
- کلانتری، فتح‌الله. (۱۳۹۵). مشخصات جنگ احتمالی آینده علیه ج.ا.ایران و راهبردهای مقابله با آن. راهبرد دفاعی، ۱۴(۴)، ۱۰۳-۱۳۱.

مسائلی، محمود و ارفعی، عالی، جنگ و صلح از دیدگاه حقوق و روابط بین‌الملل، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۹۳.

معاونت پژوهش و تولید علم، ۱۳۹۷، واکاوی جنگ‌های آینده، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی.

مکنزی، کنت، ۱۳۹۲، جنگ نامتقارن، مترجم عبدالمجید حیدری، تهران، دافوس سپاه، دوره عالی جنگ. منزوی، مسعود، ۱۳۹۴، عملیات تأثیرمحور، رویکردها و ابعاد آن، انتشارات مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، ویرایش دوم.

منزوی، مسعود، ۱۳۹۶، محیط شبکه محور، مفهوم کاربردی مشترک، انتشارات مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.

موسوی، سیدمحمد. (۱۴۰۰). بررسی تطبیقی گزینه‌های مطلوب قدرت هوایی در حوزه عدم تقارن. مجله سیاست دفاعی، ۳۰(۱۱۵)،

موفات، جیمز، ۱۳۹۶، مجموعه دگرگونی در عصر حاضر، فرضیه پیچیدگی و جنگ شبکه محور، ترجمه خواجهی محمد، انتشارات مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، ویرایش دوم.

مهدوی هوشنگ، عبدالرضا، سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی، نشر البرز، ۱۳۹۰. مهدی‌نژاد نوری، محمد. جبار رشیدی، علی. احمدی حاجی آبادی، سید احمد. و تیلا، شعبان. (۱۳۹۶). تأثیر متقابل دفاع دانش‌بنیان و جنگ‌های آینده. مطالعات دفاعی استراتژیک، ۱۵(۶۷)، ۲۳۵-۲۶۰.

مهکویی، حجت، چالش‌ها و اختلافات مذهبی در کشورهای اسلامی، انتشارات اولین همایش بین‌المللی بحران‌های ژئوپلیتیکی جهان اسلام، ۱۳۹۳.

نای، جوزف، ۱۳۹۲، آینده قدرت، ترجمه قربانی رضا، شیرمحمدی جواد، انتشارات دانشگاه فرماندهی و ستاد دانشگاه جنگ آجا.

نور، حمزه. (۱۳۹۶) ارزیابی روند مصرف منابع آب زیرزمینی و وضعیت کنونی آن در ایران. سامانه‌های سطوح آبگیر باران. ۵ (۲): ۳۸-۲۹.

هرسیج حسین، ابراهیمی پور حوا، نوعی باغبان سید مرتضی، روابط کشورهای عرب منطقه‌ی خلیج فارس و ایران از منظر منطقه‌گرایی، مجله سیاست دفاعی، شماره ۸۸، ۱۳۹۳.

منابع لاتین:

Inayatullah, Sohail, 2004, the Causal Layered Analysis (CLA) Reader (Theory and Case Studies of an Integrative and Transformative Methodology), Tamkang University Press.

Inayatullah, Sohail, 2008, "Six Pillars: futures thinking for transforming," Foresight, 20(1), 4-21.

R. Slaughter, "Integral Operating System "World Future Society, July 2003. Drawing on Sohail Inayatullah; Dennis List, "3 Maps or the Future," July 18, 2003; Andy Hines, UH-Clear Lake, 2006.

Revista de studii de Securitate si informatii pentru aparare Infosfera, 2016, Anul III nr. 2/2011, <http://www.mapn.ro/publicatii/2-2011>. Pdf (last access on 10th September.

Stefan Gabriel, 2016, GEORGESCU, The Future War- A Contemporary Military Phenomenon in the Light of Critical Infrastructure, The 11th International Scientific Conference "Defense Resources Management in the 21st century" Brasov, November 10th-11th.

Traian Grozea, 1987, Implicatiile fenomenului militar in viata internationala, Editura Politica, Bucuresti, p 15.

